



آشنایی با ادیان جدید (۷)

هیچ دینی بالاتر از حقیقت وجود ندارد

کوتاه درباره تئوزوفی (Theosophy)

ترجمه: باقر طالبی دارابی

متون مقدس و مورد احترام

مهمترین متنی که همه تئوزوفیست‌ها به آن ارجاع می‌دهند، کتاب «دکترین سری» (Sacred Doctrine) خانم بلاواتسکی است. در عین حال، این کتاب تنها متن موجود نیست. به اعضای جامعه تئوزوفی توصیه شده است به مطالعه و خواندن دیگر کتاب‌های تئوزوفی و شرح و بسط آن با علم و فلسفه نیز بپردازند.

جامعه تئوزوفیکال، مشهورترین و شاخص‌ترین گروه تئوزوفیست است. به لحاظ آماری و در چارچوب سازمان و نهاد، شمار آنها چندان زیاد نیست اما آموزه‌های آنها در بسیاری از جوامع دینی دیگر نفوذ کرده است.

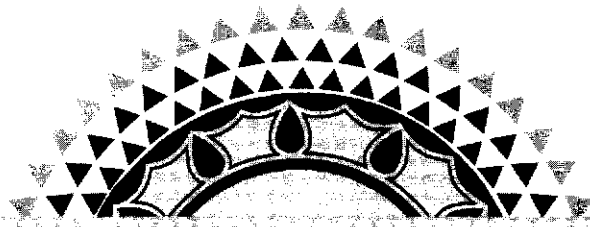
نوشته‌های بلاواتسکی به غایت تاثیرگذار بوده‌اند و در عین حال مشاجره‌میز. افرادی ناراضی با اغوا میز و کمراه‌کننده معرفی می‌کنند و حجیت و اعتبار مکانی و شانی بلاواتسکی را حاصل این ناراضی می‌دانند.

صرف‌نظر از اعتبار نوشته‌های بلاواتسکی و اعمال وی، مردم به او ایمان داشتند و از تعالیم وی پیروی می‌کردند، اما پس از مرگ وی جامعه تئوزوفیکال دستخوش تحول شد و طرح‌هایی نویسی در دستور کار قرار گرفت. برخی تعالیم بلاواتسکی را شکستند و از این فرار رفتند. امروز شمار زیادی از گروه‌ها در سراسر جهان وجود دارند که خاستگاه‌شان تئوزوفی است. برخی از این گروه‌ها عبارتند از گروه I Am، کلیسای کاتولیک اسپریتال و جامعه انترپوزوفیکال (Antroposophical Society).

گفتنی است که مشاجرات بی‌امون تئوزوفی نقش وسیعی در تاریخ داشته است (۲)

باورهای تئوزوفی ریشه در تاریخ و عهد باستان دارد، اما معروف‌ترین گروه تئوزوفیست با نام جامعه تئوزوفیکال (Theosophical Society) در ۱۷ نوامبر ۱۸۷۵ توسط مادام هلنا بلاواتسکی (۱۸۳۱-۱۸۹۱) اوکراینی پایه‌ریزی شد. تئوزوفی مطالعه آموزه‌های استادان (Masters) یا مہانماها (Mahathmas) است. تئوزوفی روش موحتن و مطالعه در حکمت باستان (Ancient Wisdom) و راه رسیدن به حقیقت غایی است.

مہانماها اعضای یک گروه فوق بشری با نام «برادری عظیم سفید» (Great White Brotherhood) هستند. آنان به کمال رسیدگانی هستند که زندگی‌شان را وقف نشان دادن راه رسیدن به کمال به ما کرده‌اند. از اواخر قرن ۱۹ و هم‌زمان با تاسیس جامعه تئوزوفیکال توسط بلاواتسکی و اولکات (Olcott)، تئوزوفی به موضوعی برای تحقیق و مطالعه تبدیل شد. جامعه مزبور به گروهی قدرتمند و مهم در سراسر چین- به ویژه آمریکا و هندوستان- تبدیل شد و بسیاری از اعمال و عقاید جامعه را بلاواتسکی و نوشته‌های وی مشخص کرد. خانم بلاواتسکی در دوران زندگی‌اش تعداد بی‌شماری مقاله و نامه نوشت و آثار مهمی تألیف کرد؛ از جمله کتاب "The Secret Doctrine and The Voice of Silence" که منبع اصلی اطلاعات برخی تمامی کسانی که دلمستغول آگاهی از تئوزوفی هستند، محسوب می‌شود. آثار او بسیاری از عقاید موجود (عم از غربی و شرقی) را در قالب یک نظام مطالعاتی تطبیقی و نظام مند در هم آمیخت. (۱)



عقاید این گروه

تئوزوفی مطالعه حکمت الهی (Divine wisdom) است. از راه مطالعه تئوزوفی فرد گام در راه یافتن پاسخ‌هایی برای مهمترین و عمیق‌ترین پرسش‌های زندگی می‌نهد:

- معنای زندگی و مرگ چیست؟

- چرا شر وجود دارد؟

- چه نکته‌ای در رنج بردن نهفته است؟

- آیا خدایی وجود دارد؟

- چرا برخی مردم خوشبخت‌اند و برخی بدبخت؟

تئوزوفی نشانه‌ها و بینش‌هایی به‌دست می‌دهد که افراد می‌توانند براساس آنها به این پرسش‌ها و بسیاری از پرسش‌های دیگر پاسخ دهند و در نهایت به حقیقت برسند. شعاری که اغلب تئوزوفیست‌ها به کار می‌گیرند این است: «هیچ دینی بالاتر از حقیقت وجود ندارد». افراد نباید تعالیم تئوزوفی را کلمه به کلمه اخذ کنند، چرا که تئوزوفی دین بی‌زمان است و گذر زمان معانی واژگان را تغییر می‌دهد.

تئوزوفی را باید مجموعه‌ای از عقاید به‌حساب آورد که فرد را در مسیر درست راهنمایی می‌کند و رهنمودهایی برای یافتن حقیقت ارائه می‌دهد. یکی از توانایی‌های عظیم تئوزوفی همین تطبیق‌پذیری و روزآمد شدن آن است. اگر کسی با جدیت در پی حقیقت است این امکان وجود دارد که آموزه‌های تئوزوفی را به درون شیوه و مدل زندگی موجود راه دهد. در بسیاری موارد تئوزوفیست‌ها خود عضو کلیساها و دین‌باوران ادیان دیگر هستند. هدف تئوزوفی تعارض و تقابل با ادیان موجود نیست، بلکه مقصود نورافشانی و ارائه معنای آن بخش از قلمروهای زندگی است که کمتر روشن و شناخته شده است. تئوزوفی تفسیری جدید از یک دین موجود و زنده نیست؛ کاملاً جدید و نو هم نیست. تئوزوفی حاصل اختلاط متفکرانه دین شرقی، دین غربی، فلسفه و علم و دیگر دانش‌های عملی است که به نظر می‌رسد از ادیان جاری فراری هستند.

بر پایه کتاب «دکترین سری» خانم بلاواتسکی، تئوزوفی دارای سه اصل بنیادین است:

۱- اولین اصل بنیادین بیان می‌دارد که «قدرتی» مطلق، همه‌جا حاضر است و قادر مطلق وجود دارد که البته با عقل محدود بشر قابل دریافت یا توصیف نیست. نامیدنش به وجود خدا یا حتی تلاش برای نام نهادن بر او یک بی‌عدالتی بزرگ است. هیچ واژه‌ای برای توصیف وی وجود ندارد، اما می‌توان واژه «قدرت» (Power) را برای آن به کار برد. علم به این «قدرت»، علم به حقیقت است و حقیقت است که ما در جست‌وجوی آن هستیم. تنها از طریق زندگی و سطوح مختلف آگاهی است که به سوی درک «قدرت» حرکت آغاز می‌کنیم.

۲- اصل دوم به ماندگاری و نامحدود بودن «قدرت» مربوط است. «قدرت» بی‌حد و مرز است و از آنجا که ما بخشی از آن هستیم ما نیز بی‌حد و مرز و نامحدودیم. به همین دلیل می‌توانیم بگوییم که بشر و تمام موجودات ماندگار و ابدی هستند.

۳- اصل سوم به کلیت و کاملیت مربوط است. همه چیز جزئی از یک کل است که نمی‌توانیم به درک کامل آن نائل آئیم، اما می‌توانیم به وجود آن مطمئن باشیم. همه آنچه به آن فکر می‌کنیم احساس می‌کنیم و انجام می‌دهیم نه‌تنها بخشی از آنچه ما هستیم، بلکه بخشی از هستی است. حتی هستی نیز بخشی از یک قدرت بزرگ‌تر است.

هم ماده و هم روح بخشی از «قدرت» هستند. از آنجا که ما همه بخشی از آن کل هستیم، عدالت در همه چیز تحقق پیدا می‌کند؛ صرف نظر از اینکه ما دلیل آن را بفهمیم یا خیر. عدالت از طریق ابزار کرمه (Karma) گسترانیده می‌شود. تئوزوفی پیچیده است و با خواندن چند صفحه نمی‌توان به درک آن نائل آمد.

برای درک واقعی آن باید در تئوزوفی «زندگی» کرد. تنها از راه عبادت و مطالعه در تمام مدت زندگی، فرد می‌تواند به‌طور کامل درس‌هایی که داده شده را فراگیرد و به بینش‌هایی که در تئوزوفی ارائه می‌شود، دست یابد. بنابراین تلخیص مطالعه و تحقیقی که به‌اندازه تمام دوران زندگی فرد طول می‌کشد، در چند پاراگراف کاری بس دشوار است. در عین حال می‌توان برخی از مفاهیم کلیدی و اصلی تئوزوفی را توضیح داد. برای پرهیز از سردرگمی لازم است که میان تئوزوفی و جامعه تئوزوفیکال - با وجود شباهت‌های بسیار- تمایز قائل شویم.

جامعه تئوزوفیکال اهدافی دارد که تنها نسبت به خود آن جامعه قابل اجراست نه در قبال تمام تئوزوفی. بیشتر کتاب‌ها، وب‌سایت‌ها و مقالات با هدف آموزش و آگاهی «تئوزوفیست‌های نوآموز» ترتیب داده شده و بر پایه آرمان‌هایی بنا شده‌اند که مدنظر جامعه تئوزوفیکال است. به دو دلیل این قضیه صادق است: لولا جامعه مزبور نهادینه شده است و یک گروه بنیادگذار به‌حساب می‌آید و دوم از آنجایی که اهداف جامعه به مقاصد تئوزوفی بسیار نزدیک است به‌خاطر داشتن و بیان اهداف جامعه مهم است. اهداف جامعه عبارتند از:

۱- تشکیل ترکیبی از برابری جهانی بشریت که در آن تمایز نژادی، جنسی، اعتقادی، طبقاتی یا رنگ مطرح نباشد. ۲- ترغیب مطالعه تطبیقی دین، فلسفه و علم ۳- تفحص و تحقیق در قوانین بی‌توضیح‌مانده طبیعت و قدرتی که در انسان به ودیعت نهاده شده است.

در اینجا به ارائه توضیحاتی اجمالی درباره کلیدی‌ترین مفاهیم تئوزوفی می‌پردازیم:

وحدت جسم و روح

یکی از مهم‌ترین و در عین حال انتزاعی‌ترین نکاتی که باید درباره تئوزوفی یاد بگیریم، مفهومی است که بر اتحاد جسم و روح حکایت دارد. همه موجودات (انسان‌ها، حیوانات، گل‌ها، گیاهان، ستارگان و غیره) نه‌تنها از جسم - همان که جهان علم می‌شناسد- که از روح نیز تشکیل شده‌اند.

اثبات این مسأله دشوار است، چون عقیده کلی مربوط به روح، به‌گونه‌ای غیرعقلانی می‌نماید و صرفاً یک احساس است.

چنان به نظر می‌رسد که در زندگی چیزهای دشوارتری هست؛ نه صرفاً همین ماده فیزیکی ساده. اینکه از علم بخواهیم همه آنچه در این جهان می‌شناسیم را برای ما توضیح دهد، درست نیست؛ چه‌بسا ما صرفاً احساس کنیم، اما آنچه ما احساس می‌کنیم چیزی نیافتنی و سری است که گاه علم «به آن نمی‌رسد». یعنی روح و یا اگر از بیان بلاواتسکی استفاده کنیم: «آگاهی» (Consciousness).

عقیده پشت سر این وحدت با یک مشاهده ساده قابل دستیابی است. هر آنچه که ما به آن علم داریم، در این جهان به صورت جفت (متضاد) وجود دارد: گرما و سرما، محدود و نامحدود، عشق و نفرت و...، تمامی توصیفات که ما از اشیا انجام می‌دهیم را می‌توان با یک توصیف مستقیم و نیز با تعریف ضد یا نقیض آن توضیح داد. «آگاهی» نیز در قطار همین تفکر در حرکت است. به زبان ساده باید گفت آگاهی آن چیزی است که ماده نیست. هر دو در وحدت (اغلب در شکل نزاع) وجود دارند اگر غیر از این بود ما هرگز آنها را نمی‌شناختیم. ما به عنوان یک جامعه، آنچه را که برای زندگی مهم تر است را در مقایسه با آنچه در شکل و قالب ماده نظاره‌گر آن هستیم، فراموش کرده‌ایم. در این عصر ماده‌گرایی، آگاهی (آگاهی در اینجا به معنای معنویت که معمولاً به کار برده می‌شود، نیست)، کنار گذاشته شده است. تئوزوفی تلاش می‌کند راه‌هایی را تعلیم دهد که ما را به آگاهی بیشتر برساند و از این ارزش نهلان زیاد بر امور مادی بکاهد. تئوزوفی تصویر کلی ناکارآمدی و غیر مفید بودن چیزهای مادی را به ما نشان می‌دهد.

کرمه

کرمه‌ای که تئوزوفی از آن سخن می‌گوید شباهت زیادی دارد به کرمه‌ای که در ادیان شرقی و سنت‌های دینی شرق وجود دارد. کرمه عدالت هستی است. کرمه دست در دست تن‌یابی (Incarnation) پیش می‌رود.



در صورت امکان درک ما از رسیدن به آنها مستقیم و راحت نیست.

سفر زیارتی

بلاواتسکی اغلب از تکامل جامعه به سفر زیارتی تعبیر می‌کند: ما زائران همیشه در حال تحقیق و کشف هستیم. ما در سفر کشف حقیقت هستیم و به‌رغم آنکه ممکن است از آن آگاه نباشیم، به آرامی با کل پیش می‌رویم. جامعه روی زمین البته بخشی از این کل است و ما طرح کامل اشیا را نمی‌دانیم. در عین حال می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که همه چیز رو به جلو در حرکت است و عدالت برای ما جاری است. این درک به توضیح و توجیه رنج و شر کمک می‌کند، چون به ما نشان می‌دهد که چرا به علت حادث شدن برخی چیزها نمی‌رسیم و آگاهی نمی‌یابیم، اما در عین حال می‌دانیم که همان نیز عدل است. این سفر یک سفر مستلزم و صعود تدریجی نیست بلکه سفری سریع سوار بر سورتمه غطلان است که به طرف بالا می‌رود؛ اما طی دوره‌های زمانی طولانی. چون آگاهی و جسم اغلب با یکدیگر در نزاع هستند وقتی یکی به سمت بالا می‌رود و دیگری به سمت پایین حرکت می‌کند. این امر موجب عدم ثبات و بی‌نظمی می‌شود. اما این تنها یک خیال است. واقعیت آن‌گونه که ما درک می‌کنیم البته تصویری است که خودمان برای خود خلق می‌کنیم. نیازی نیست که نگاه سختی به جهان امروز داشته باشیم تا ببینیم آنچه را که ما چنان ارزش می‌نهییم اغلب از آن ارزش برخوردار نیست. در این دنیا تنها تعداد اندک مفهوم «صلح حقیقی» را می‌دانند: صلحی که از خرد و اندیشه حقیقت وجود بیرون می‌آید. اینان کسانی هستند که می‌توانند «استاد» شوند.

استادان (Masters)

عقیده بر این است که کسانی که در عالم دارای شناخت کامل یا دست‌کم خارق‌العاده حکمت الهی هستند و زندگی خود را وقف نشان دادن راه رسیدن به حقیقت به ما کرده‌اند. آنان را نام‌های بسیار است که رایج‌ترین و متداول‌ترین آنها استاد (Master) و مهاتما یا ماهر (Adept) است. بلاواتسکی به این نکته تأکید دارد که استادها نه تنها وجود داشته‌اند، بلکه هم‌اینک نیز بر روی زمین حضور دارند و می‌توانند با او به‌طور شخصی ارتباط برقرار کنند. استادها به بالاترین درجات وجودی نائل آمده‌اند، تسلط کامل بر زندگی‌شان دارند و در کنترل کرمه نیستند؛ چرا که می‌توانند از کرمه بگذرند و پیشی گیرند. آنان می‌توانند در روح (آگاهی) یا در جسم یا در ترکیبی از این دو وجود یابند. آنان تا آنجا که امکان دارد به آسمان نزدیکند و حقیقت را می‌دانند.

استادها را اغلب به گروهی ویژه و متمایز متعلق می‌دانند که نامشان «برادری سفید عظیم» (سفید در اینجا به معنای پاکی و خلوص است، نه نژاد) است. اهمیت وجود آنها این است که نقش نمونه و الگوها را بازی می‌کنند و دلیلی بر صدق گفتار تئوزوفی محسوب می‌شوند.

وجود آنها ثابت می‌کند که سطوحی بالاتر از سطح زمینی حیات و هستی وجود دارد. استادها اغلب «شاگردانی» که قابلیت و ظرفیت تحول و تکامل را دارند، برمی‌گزینند؛ آنان که نسبت به بقیه افراد جامعه برای این امر مهیاتر هستند. این شاگردان باید پاک و خالص، اخلاقی و مهربان باشند؛ خالی از هرگونه اندیشه و احساس منفی.

بلاواتسکی مدعی بود که شاگرد استاید است و این ادعا خود محور بسیاری از مشاجرات است.

پی‌نوشت:

- ۱- آنچه گفته شد تنها مختصری از تاریخ تئوزوفی است. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به منابع کتابخانه‌ای یا به برخی وبسایت‌های این گروه مراجعه کنید.
- ۲- برای دریافت اطلاعات بیشتر و آگاهی کامل‌تر از تاریخ این گونه نزارها و تأثیرات آن به منابع تئوزوفی و وبسایت‌های مربوطه مراجعه کنید.

3- Will, Wisdom and Activity

به بیان ساده‌تر با کرمه به آنچه انلخته‌ای، می‌رسی. فرد طی زندگی کنونی کرمه خوب یا بد را تجربه می‌کند و این بستگی به آن چیزی دارد که «آنان» (جسم و آگاهی یا جسم و جان) در زندگی گذشته کسب کرده باشند. داشتن کرمه خوب و بد در یک زندگی امری عادی است. کرمه اجباراندیشی نیست از این رو عملی را تحمل نمی‌کند، بلکه وضعیتی را موجب می‌شود. به فرد بستگی دارد که بهترین وضعیت را پدید آورد. با انجام بهترین‌ها و اعمال خوب در این زندگی، فرد می‌تواند کرمه خوب را در زندگی بعدی‌اش بسازد.

مرگ و باز تن‌یابی (Reincarnation)

یکی از مهم‌ترین ابعاد تئوزوفی مفهوم مرگ است. چون مرگ نقطه پایان تلقی نمی‌شود، نگاه منفی به آن وجود ندارد، مرگ یک آغاز است یا حق گذر کردن. از طریق مردن است که روح می‌تواند منحول شود و در مسیر درک حقیقت غایی گامی به پیش نهد. به‌وسیله مردن دنیای مادی پشت سر گذاشته شده و درس‌های حقیقی تعلیم داده می‌شود. تئوزوفی می‌آموزد که همه چیز سرانجام به کمال دانستن حقیقت (آسمانی شدن) می‌رسد. هر زندگی روح را در مسیری، یا به سمت حقیقت یا انحراف از حقیقت، حرکت می‌دهد و روح در بدنی دیگر «باز تن‌یابی» می‌کند تا درس‌های جدیدی بیاموزد. افراد در رسیدن به تحول و تکامل متفاوت‌اند؛ برخی زودتر و برخی دیرتر به کمال می‌رسند. برخی مردم که از کرمه زندگی نیاموخته و بنورد حیات گفته باشند، باید برخی از درس‌ها را دوباره بگذرانند؛ درست مانند بچه‌ای که در مدرسه ضعیف عمل می‌کند و مجبور می‌شود برخی درس‌ها و کلاس‌ها را دوباره بخواند.

اما در اینجا یک کلید وجود دارد: زندگی آدمی هنگامی که در بستر تکامل کامل و تام و تمام روح مطرح است چیزی بیش از یک پلک زدن چشم نیست. یافتن حقیقت زمانی بی‌پایان و غیرقابل محاسبه می‌طلبد و در این حالت است که می‌توان به حقیقت رسید؛ اینجاست که تئوزوفی اندکی گیج‌کننده می‌شود، چون حتی زمان نیز مانند جسم و آگاهی برخورد می‌شود. زمان نیز مانند مردم در حال تکامل و تحول است. نگاه تئوزوفیست‌ها به زندگی و مرگ به معنای سنتی آن دو نیست. زندگی در سطوح مختلف و در جهان‌های متفاوت وجود دارد. زندگی آدمی اینجا بر روی زمین تنها بخشی جزئی از یک سطح تکامل است.

سطوح وجود

جسم و روح از طریق سطوح مختلف تکامل می‌یابند و به حقیقت یا آسمان نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند. بلاواتسکی از سطوح گوناگون وجود و هستی سخن گفته است؛ اینکه در هر سطح فرد ممکن است دارای نقطه ثقل متفاوت باشد یا بر سه جنبه متفاوت وجود متمرکز شود. مانند بسیاری از ادیان عدد سه و هفت در سراسر ادبیات دینی و تعلیم آنها بروز و ظهوری خاص دارد. ابعاد سه‌گانه زندگی (تثلیث) عبارتند از: اراده، خرد و عمل (۳).

سطوح هفت‌گانه هستی نیز شامل ائیری (Ethereic) (یا فیزیکی)، آسترال (Astral) (یا احساس)، عقلانی، درونی، جان (فعالیت و سعادت) آگاهی (خرد) و جوهر (بودن) است.

تئوزوفی در تلاش است به ما، به‌عنوان انسان‌های روی زمین بیاموزد که چگونه به درکی بیش از یک معنای زمینی و احساسی از وجود و هستی نائل شویم. زندگی کردن در بخش جزئی سطح فکری و درونی برای بسیاری از آدمیان کار چندان دشواری نیست اما افراد بسیار اندکی هستند که می‌توانند به‌طور کامل این دو سطح را پشت سر بگذرانند و به احساس روی آورده، به جهان مادی‌شان پایان دهند. فرآیند رو به تحول و رشد اتحاد آگاهی و جسم از طریق سطوح وجود بسیار پیچیده است. این امر مانند بالا رفتن از نردبان اجتماع نیست که فرد از پایین شروع می‌کند و با سعی و تلاش بسیار در طول زمان پله‌ها را یکی پس از دیگری به سمت بالا طی می‌کند. متأسفانه سطوح بالای هستی بسیار دور از دسترس و درک هستند و حتی